

تعامل شناخت و زبان در مسیر فراگیری ساخت موضوعی فعل در افراد ناشنوا

نویسندگان: یاسمن چوب ساز^۱، مهدی فتاحی^۲

(۱) *نویسنده مسؤل، دکترای زبان شناسی همگانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایمیل:

y.choobsaz@yahoo.com

(۲) دکترای زبان شناسی همگانی، دانشگاه تهران

چکیده

زمینه و هدف: با عنایت به این مدعای پینکر (۱۹۸۴) که مسیر فراگیری ساخت موضوعی فعل از سمت معنا به نحو است، پژوهش حاضر به بررسی دانش ساختار موضوعی فعل در گروهی از ناشنویان فارسی زبان که در سال های آغازین کودکی، یعنی دوره بحرانی زبان آموزی، از داده های زبانی محروم بوده اند، می پردازد.

روش بررسی: در این مطالعه، دانش ظرفیت فعل از طریق دو آزمون نوشتاری و تصویری در دو گروه ناشنوا و شنوا (کنترل) بررسی شد. در هر گروه ۱۲ نفر (۶ دختر و ۶ پسر) شرکت داشتند.

یافته ها: تحلیل خطاهای مربوط به ظرفیت فعل نشان داد که تا جایی که به آزمون تصویری و تشخیص موضوع های فعل مربوط می باشد، تعداد خطاهای ناشنویان قابل توجه نبود. چالش اصلی ناشنویان در نگاشت موضوع های یک فعل به سطح نحو بود.

نتایج: نتایج پژوهش حاضر اهمیت تعامل شناخت و زبان با یکدیگر برای فراگیری زبان را آشکارتر می کند. پینکر (۱۹۸۴) در دیدگاهی که جهت فراگیری زبان را از معنا به نحو می داند، معتقد است که کودکان به هنگام زبان آموزی با استفاده از قوه شناخت شرکت کنندگان در یک رویداد را تشخیص می دهند و با استفاده از قوه زبان فرامی گیرند که کنشگر و کنش پذیر را چه طور به شکل صحیح به کار ببرند. واضح است که قوه شناخت در افراد ناشنوا وجود دارد و فعال است، حال آنکه این افراد در دوره ای که باید در معرض داده های زبانی قرار بگیرند تا قوه زبانی آن ها از حالت بالقوه به بالفعل در بیاید و اطلاعات قوه شناخت را تبدیل به زبان کنند، از داده های زبانی محروم بوده اند.

واژگان کلیدی: ساخت موضوعی فعل، ناشنوا، فراگیری زبان، شناخت